



مطالعه تطبیقی قلمرو مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

مریم تفضلی مهرجردی^۱

بهشید ارفع نیا^۲

چکیده

اصل شخصی بودن مسئولیت، مورد قبول شرع و نظام‌های حقوقی مختلف می‌باشد. لذا، هیچ کس بار گناه دیگری را نمی‌تواند به دوش بکشد و این اصل در قانون مسئولیت مدنی حاکم است. بنابراین با تحول زندگی اجتماعی بشر و توسعه تمدن و شهرنشینی و دور شدن از زندگی قبیله‌ای اصل جمعی بودن مسئولیت مدنی متزلزل شده است و کسی که باعث ضرر و آسیبی به دیگری بشود خودش باید ضرر را جبران کند.

در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان بار صغیر از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر به حساب می‌آید. لذا، در حقوق ایران کسانی که نگهداری، مواظبت و یا تربیت صغیر را بر عهده دارند، در صورتی که در این تکلیف کوتاهی نمایند و بر اثر آن، صغیر به دیگری ضرری برساند، به موجب ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقصر می‌باشند و آن‌ها ملزم به جبران خسارت وارده خواهند بود و در صورتی که وی کوتاهی نکرده باشد مطابق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این قاعده، استثنایی از اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی می‌باشد. بنابراین هدف مسئولیت مدنی در هر سه کشور جبران خسارات زیان دیده است؛ در صورتی که شرایط و ارکان مسئولیت مدنی صغیر جمع باشد، زیان دیده حق دارد جبران خساراتی را که به او وارد شده است از سرپرست بخواهد. سرپرست صغیر مانند هر مسئول مدنی دیگر، تنها نسبت به خسارات قابل

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Maryam.tafazoli@srbiau.ac.ir

۲- دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: beh.arfania@iaucthb.ac.ir

انتساب به خود که ناشی از فعل صغیر باشد مسئولیت دارد.

کلید واژگان: سرپرست، صغیر، تقصیر، مراقبت، فعل زیان بار، جبران خسارت.

مقدمه:

آنچه در مقررات مربوط به مسئولیت مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد، چگونگی جبران زیان‌هایی است که در نتیجه افعال افراد انسانی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به دیگران وارد می‌شود. همچنین یکی از مهمترین و بحث برانگیزترین مسائلی که در ارتباط با اشخاص که موضوع علم حقوق می‌باشند، مطرح است، وضعیت اطفال است که به خاطر نقش مهمی که این قشر عظیم از جامعه در آینده هر کشوری ایفا می‌نمایند، تربیت منطقی و صحیح آنها که مستلزم توجه هر بیشتر به پرورش جسمی و روحی آنهاست مورد توجه همگان بوده، تا از این طریق استعداد‌های درونی آنها شکوفا گردیده و نویدبخش آینده‌ای بهتر برای جامعه باشند. به همین خاطر، تعیین قلمرو مسئولیت مدنی اطفال که درصد برزگی از جامعه را تشکیل می‌دهند، لازم و ضروری است.

در قانون مدنی ایران با توجه به کلیت مواد ۳۲۸، ۲۱۶ و ۳۳۱ قانون مدنی، مسئولیت مدنی محجورین را پذیرفته است اما بر این قاعده کلی دو استثنا وارد است: اولاً ماده ۷ قانون تقصیر و کوتاهی سرپرست، برعهده سرپرست نهاده است. ثانیاً طبق ماده ۱۲۱۵ ق.م. و در جایی که شخصی مالی را به تصرف صغیر و مجنون داده و مال تلف شود صغیر و مجنون مسئول نخواهند بود، زیرا وی قدرت تشخیص خیر و شر اعمال خویش را ندارد. بنابراین طبق قاعده اقدام، کسی که مال خود را به تصرف این گونه محجورین داده خودش مسئول می‌باشد چون به ضرر خویش اقدام کرده است و نباید متوقع جبران زیان وارده باشد. مسئولیت مدنی صغیر یکی از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر است که استثنا بر قاعده شخصی بودن مسئولیت می‌باشد. مسئولیت سرپرست مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است؛ یعنی سرپرست وقتی مسئول جبران زیان است که در نگهداری یا مواظبت از صغیر یا مجنون کوتاهی کرده باشد، علاوه بر آن فعل زیان بار مجنون یا صغیر هم فعل نامتعارف باشد.

در حقوق انگلیس، مسئولیت در برابر خسارتی که صغار (کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیای تحت حراست وی به دیگری وارد می‌کند، ایجاد می‌شود و همچنین مسئولیت مدنی هنگامی رخ می‌دهد که شخص صدمه یا خسارتی به دیگری وارد نموده است و ملزم به ترمیم و جبران آن خسارت باشد.

در حقوق فرانسه، مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر مبتنی بر تقصیر است. لذا، بار اثبات و امکان معافیت زیان وارده در مسئولیت قهری تقصیر، گاه باید به اثبات برسد و گاه مفروض است (البته امکان اثبات خلاف آن وجود دارد). بدین ترتیب، در مسئولیت قهری (مثل مسئولیت پدر و مادر یا آموزگار در قبال فرزندان و دانش آموزان خود) هرگاه به لحاظ فقد تقصیر دعوای خسارت به طرفین آن‌ها (پدر و مادر و آموزگار) غیرقابل استماع گردد، دیگر دعوای خسارت به طرفیت افراد زیر نظر آن‌ها مسموع نیست؛ هرگاه زیان دیده علیه طرف قرارداد اصلی طرح دعوا نموده و او را ملزم به جبران خسارت کند او نیز حق دارد از شخصی که زیر نظرش بوده و با وی قرارداد داشته، جبران خساراتی که پرداخته مطالبه نماید.

لذا، با توجه به توضیحات پیش گفته، در این مقاله سوالاتی مطرح می‌گردد که شرایط بار اثبات تقصیر بین ضرر و ارتکاب فعل زیان بار والدین و اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلیس و فرانسه چگونه است؟ و شرایط اعمال زیان آور صغیر در مسئولیت‌های بدون تقصیر در حقوق ایران و انگلیس و فرانسه به چه صورتی می‌باشد؟ و همچنین در چه شرایطی عاقله در برابر جرم صغیر مسئولیت مدنی دارد؟

روش تحقیق مقاله بدین صورت است، که محقق بعد از جمع‌آوری اطلاعات که از طریق منابع گوناگون از جمله کتابها، مجلات، روزنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی و... به دست آمده، در مرحله بعد به مطالعه منابع گردآوری شده پرداخته و آن اطلاعاتی را که با موضوع تحقیق مرتبط است جمع‌آوری کرده و در مرحله بعد به تجزیه و تحلیل و بررسی موضوع پرداخته است. بعد از تجزیه و تحلیل، نتایج به دست آمده را جمع بندی کرده و در نهایت راهکارهایی را ارائه داده است. روشهای به کار گرفته شده در این مقاله را می‌توان از ابعاد گوناگون بررسی کرد که با در نظر گرفتن معیار زمانی از نوع تحقیقات مقطعی است، زیرا در یک برهه از زمان صورت گرفته است و واقعیت را در یک برهه از زمان مورد بررسی قرار داده است. با در نظر گرفتن عمق تحقیقات حاضر می‌تواند از نوع پهنانگر باشد بدان جهت که از موضوع ماهیت مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه سخن می‌گوید.

از نظر شیوه‌های گردآوری اطلاعات جزو روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی لحاظ می‌شود بدان جهت که برای گردآوری اطلاعات از مطالعات اسنادی استفاده شده است. به گونه‌ای که مطالب از میان منابع و مآخذ، از قبیل کتاب، مجلات، گزارش‌های تحقیقاتی، مقالات و سایت‌های اینترنتی استخراج شده است.

۱- قلمرو مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه طبق ماده ۷ ق.م.م.مصوب ۱۳۳۹، مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر مبتنی بر تقصیر آنان می‌باشد. که خواهان باید تقصیر سرپرست را در تسهیل نگهداری و مواظبت به اثبات برساند. در این محث، بررسی قلمرو مسئولیت سرپرستان صغار را در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه مورد بحث و پژوهش قرار می‌دهیم.

۱-۱- شمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی نسبت به سرپرست

در حقوق ایران، هرگاه صغار عرفاً سبب ورود خسارت به دیگران باشد، مسئولیت دارد. قانون مسئولیت مدنی با هدف

کاستن از شدت حکم ماده ۱۲۱۶ ق.م و در راستای اصول حاکم بر آن قانون، در ماده ۷ ق.م.م.والدین و سرپرست و اشخاص دیگر را در صورت ارتکاب تقصیر، مسئول فعل زبان بار صغار می‌داند. در ماده ۷ ق.م.م، برحسب اینکه منشأ تعهد به نگهداری و مواظبت از صغیر، قانون باشد یا این که این تعهد از قرارداد نشأت گیرد، سرپرستی به قانونی و قراردادی تقسیم می‌شود.^۱

ماده ۷ ق.م.م تنها پدر و مادر را مسئول جبران خسارت وارد شده توسط صغیر نمی‌شناسد، بلکه به طور کلی مسئولیت بر عهده‌ی همه اشخاصی می‌باشد که به موجب قانون یا بر حسب قرارداد عهده دار نگهداری یا مواظبت از صغیر هستند. این اشخاص علاوه بر پدر و مادر، بر حسب مورد، شامل جد پدری، وصی، قیم، پرستار و مربی کودکستان می‌شوند.

ولی باید دانست در بیشتر موارد این پدر و مادر هستند که باید پاسخ‌گوی اعمال فرزندان باشند و در مورد کودکان، به طور معمول هنگامی سخن از مسئولیت اشخاص دیگر به میان می‌آید که برای مدتی محدود یا برای ساعاتی خاص در شبانه روز طبق قرارداد، مواظبت از آنها بر عهده دیگری قرار می‌گیرد یا آن که بر اثر فوت پدر، بر حسب مورد، وصی یا قیم مأمور مراقبت و مواظبت از آنان می‌شود. بنابراین، مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و از جمله پدر و مادر بر مبنای تقصیر آنان در نگهداری یا مواظبت استوار است. در این بند سه عنوان شمول مسئولیت مدنی سرپرست نسبت به اشخاص حقوقی، شمول مسئولیت مدنی سرپرست نسبت به فرزندان طبیعی و شمول مسئولیت مدنی سرپرست نسبت به

۱- البته به این مورد می‌توان دست سومی را افزود؛ ممکن است افرادی به طور داوطلبانه و خارج از حکم قانون و بدون انعقاد قراردادی به طور دائم یا موقت، نگهداری از فرد فاقد تمیز را عهده‌دار شوند، نوع اخیر را می‌توان سرپرستی داوطلبانه نامید.

صغیر را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱-۱- شمول مسئولیت مدنی سرپرست نسبت به اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی که به موجب قانون به نگهداری صغیر مکلف می‌باشند، بسیار محدودند. یکی از وظایف مهم سازمان بهزیستی کشور، حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی سرپرست می‌باشد. تقصیر این سازمان در نگهداری اطفال بی سرپرست می‌تواند از مصادیق ماده ۷ ق.م.م. باشد؛ بنابراین، چنانچه کودکان خیابانی فاقد سرپرست قانونی باشند و سازمان بهزیستی در جمع‌آوری و نگهداری آنان اقدامی نکند، مسئول خساراتی است که از ناحیه این اطفال به دیگران وارد می‌شود. حتی در سال ۱۳۷۶ش قانون‌گذار، قیومت محجوران تحت سرپرستی این سازمان را تا تعیین قیم از طرف دادگاه صالح برای آنان به عهده سازمان بهزیستی واگذار کرده است. همچنین می‌توان از دبستان‌های دولتی و به‌طور کلی، آموزش و پرورش به عنوان شخصیت حقوقی حقوق عمومی دیگری که نگهداری از اطفال صغیر را به عهده دارند، نام برد.

چنانچه اطفال صغیر در اوقاتی که در مدارس تحت تعلیم و تربیت هستند، به علت عدم توجه کافی در نگهداری، آسیب ببینند، مسئول می‌باشند. مانند قراردادهای که با مهدکودک‌ها و کودکان‌ها برای نگهداری اطفال صغیر بسته می‌شود، یا این که موضوع اصلی قرارداد نگهداری و مراقبت نبوده، بلکه امر دیگری از قبیل تعلیم و تربیت، آموزش حرفه یا هنر خاصی به صغیر باشد؛ مانند این که صغیر را برای فرا گرفتن زبان خارجی یا آموختن موسیقی به شخص یا موسسه‌ای بسپارند، در این صورت، نگهداری از طفل جنبه فرعی دارد. در هر صورت چنانچه سرپرست، اعم از نگهدارنده یا معلم و مربی، در مواظبت و نگهداری از صغیر کوتاهی کند، مسئول خسارتی است که در اثر بی‌توجهی سرپرست قراردادی خسارتی به شخص صغیر و یا اموال شان وارد می‌شود (صفایی ۱۳۸۶، شماره ۶۷). در این فرض، سرپرست قراردادی به لحاظ نقض قرارداد، مسئول جبران خسارت است نه به حکم قانون، یعنی در حقیقت، مسئولیت او قراردادی است و نیازی به اثبات تقصیر او نیست. بلکه برابر ماده ۲۲۷ ق.م. وجود یک حادثه خارجی که به او مربوط می‌باشد نمی‌تواند با اثبات عدم تقصیر خود از پرداخت خسارت معاف شود. در هر صورت چنانچه سرپرست قراردادی در مواظبت و نگهداری از کودک کوتاهی کند، مسئول خسارتی است که در اثر نقض تعهد مراقبت از سوی طفل به دیگران وارد می‌شود.

حال اگر صغیر هنگام حضور در مدرسه یا محل کارآموزی مرتکب فعل زیان‌آوری شود و زیان دیده بتواند تقصیر معلم یا استاد کار را مبنی بر عدم نظارت یا کنترل کافی اعمال صغیر، یا مدیر مدرسه یا کودکانستان را در عدم رعایت اصول فنی موسسه مانند به کار

گماردن اشخاصی که استعداد روانی یا اخلاقی لازم برای نگهداری یا مواظبت از صغار را ندارند، اثبات نماید و همچنین اگر بتواند تقصیر مشترک آنها و والدین را به خاطر عدم تربیت صحیح فرزندان ثابت نماید می‌تواند علیه افراد مقصر اقامه دعوا نماید و چون بر خلاف اصل حقوقی مسئولیت تضامنی است. در این فرض مسئولیت سرپرستان مقصر یک مسئولیت مشترک است.

در پایان، اگر شخصی بدون تکلیف قانونی یا بدون وجود قرارداد، از صغیر سرپرستی کند، در قبال افعال زیان بار آنان مسئولیتی دارد. در این مورد دو فرض قابل تصور است: فرض اول، اینکه کسی از باب احسان و نیکوکاری، صغیر را که از منزل فرار کرده یا مسیر خود را گم کرده و سرگردان است، به طور موقت تحت مراقبت خود قرار دهد تا در موقعیت مناسب او را به سرپرست واقعی یا مقامات صالحه قانونی تحویل دهد (کاتوزیان ۱۳۸۸، ۳۹). در چنین موردی با توجه به نیت خیرخواهانه و بر مبنای قاعده احسان نباید او را مسئول دانست؛ ممکن است گفته شود پس از این که شخص اقدام به نگهداری صغیر نمود، موظف است مراقبت‌های لازم را طبق عرف انجام دهد. چنانچه در نگهداری او تقصیر کند همچون سرپرست قانونی و قراردادی، مسئول اطفال زیان بار آنان خواهد بود. این نظر هر چند منصفانه نیست، با اصول حقوقی و فلسفه مدنی که جبران خسارت است، سازگارتر به نظر می‌رسد.

۶

فرض دوم، مطابق ماده ۱۲ ق.م.م، اگر شخصی طفل صغیر را بدون تکلیف قانونی یا قراردادی نگهداری کند و در ضمن نگهداری از آنان بهره برداری نماید. در چنین صورتی که فرض احسان منتفی است، نگهدارنده باید مسئول کلیه اعمال زیان بار صغیر باشد؛ هرچند در نگهداری آنها تقصیر نکرده باشد.

در حقوق انگلیس، اشخاص حقوقی (از قبیل، مهدکودک، مدرسه و...) که از صغار نگهداری و مواظبت می‌کنند، اگر در صورت سهل انگاری و بی احتیاطی وی، صغار به دیگران آسیب برساند و یا از طرف اشخاص حقوقی به صغار آسیب برسد آن موسسه و یا شخص حقوقی مسئول می‌باشد (Keenan & Kenneth 1982, 370-371).

در نظام کامن لا، از سال ۱۹۸۰ بسیاری از محاکم، مدرسه را مسئول جبران خسارت وارده ناشی از افعال زیان بار دانش آموزان به یکدیگر می‌دانند و مدرسه را در قبال اعمال زیان بار دانش آموزان به یکدیگر مسئول می‌شناسند. مسئولیت مدرسه محدود شده به زمان حضور دانش آموز در مدرسه است و زمان قبل و بعد از ساعات مدرسه را شامل نمی‌شود (Harpwood 2003, 110-111). به طور کلی، در هر جا که بتوان وظیفه‌ای برای مدرسه تصور کرد به صرف ترک انجام وظیفه و یا ارتکاب تقصیر در انجام آن و بروز خسارت، مدرسه مسئول می‌باشد.

بنابراین، مدارس موظف به مراقبت از دانش آموزان می‌باشد و این وظیفه حتی نسبت به اشخاص ثالثی که به وسیله کودکان آسیب می‌بینند برقرار می‌باشد. در واقع، در اکثر موارد مدارس و آموزشگاه‌ها از حیث میزان مراقبت در ردیف والدین قرار می‌گیرند، بدین معنی که مدرسه جانشین والدین تلقی می‌شود و در غیاب آنها وظیفه‌ی مراقبت از دانش آموزان و هنرآموزان را به عهده دارد و در این بین حتی برای برخی دانشکده‌ها و مدارس شبانه روزی که برای بزرگسالان تعبیه شده‌اند چنین مسئولیتی قایلند و آنها را در مقابل زیان دیده مسئول می‌دانند (Simon 1994, 3:19). اگر کوتاهی یک محیط آموزشی سبب آسیب دیدن یک دانش آموز یا هنرآموز بشود، تفاوتی نمی‌کند که این خسارت توسط خود آن شخص وارد شده باشد یا توسط دانش آموز یا هنرآموز دیگری و یا حتی توسط کارکنان آن موسسه، در هر حال در صورت تقصیر موسسه مسئولیت دارد.

معلمین براساس تکلیف به مراقبتی که از سوی قانون برای آنها در نظر گرفته شده است در صورت کوتاهی مسئول اعمال زیان بار دانش آموزان شان هستند. مسئولیت معلمان همانند مسئولیت والدین قانونی نسبت به صغارشان می‌باشد (Harpwood 2003, 315). بنابراین زمانی که دانش آموزان تحت نظارت معلم شان هستند مسئولیت جبران خسارت وارده توسط دانش آموزان به عهده او می‌باشد. اما سرایت این مسئولیت به موقعیت‌هایی که دانش آموزان خارج از مدرسه به سر می‌برند، مشکل است.

چنانچه راجع به نگهداری و مراقبت از صغیر قراردادی منعقد شود و در محدوده‌ی قرارداد منعقد، در اثر فعل زیان بار صغیر به دیگری خسارت وارد شود، از این زیان دو دعوا ناشی می‌شود یکی دعوای زیان دیده که از عمل زیان بار صغیر ناشی شده است و دیگری دعوای شخص منعقد کننده قرارداد است که به علت نقض قرارداد یعنی تقصیر در امر مراقبت صغیر موضوع قرارداد حادث می‌شود. مبنای چنین مسئولیت را می‌توان با توجه به نفوذ و اقتداری که مهدکودک بر کودک دارد، توجیه کرد. در واقع برای حمایت از حقوق زیان دیدگان ناشی از اقدامات کودکان خردسال و تضمین جبران خسارت و وارد نشدن لطمه‌ی سنگین مالی بر والدین پیشنهاد می‌شود جبران خساراتی که توسط کودکان به اشخاص ثالث حین حضورشان در مهدکودک وارد می‌شود به عهده این نهاد گذاشته شود (Winfield 1950, 482).

در حقوق فرانسه، در حقوق تعهدات مراقبین حرفه‌ای مزدبگیر وجود دارند که در ازای درآمدی به صورت حرفه‌ای از طفلی مراقبت به عمل می‌آورند مانند، مهدکودک یا موسسات آموزشی. این موارد در نظام رومی ژرمنی قبل از صدور رأی بلیک به صورت

¶ Gardines Professionelles Rémunérées.

استثنای تلقی می‌شد و غیر از پدر و مادر که در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه مطرح شده و مبتنی بر تقصیر بود، در بقیه موارد، زیان دیده در صورتی می‌توانست مطالبه خسارت کند که تقصیر شخص مراقب را طبق ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه به اثبات می‌رساند، که در این فرض از نظر علمی نمی‌شد به چنین مواردی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر اطلاق کرد و نوعی مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی تلقی می‌شدند. این امر نتیجه منطقی تفسیر محدود موارد احصا شده در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه بود.

بر عکس با صدور رأی بلیک در ۲۹ مارس ۱۹۹۱ این نتیجه پذیرفته شد که اشخاصی که تکلیف به مواظبت و نگهداری از دیگران را دارند، برحسب مورد پاسخگوی فعل زیان بار اشخاص تحت مراقبت بوده و متعهد به جبران خسارتی هستند که از فعل این اشخاص وارد شده و این مسئولیت نیز طبق بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه می‌باشد، نه ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه که مبتنی بر مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است. بنابراین رأی بلیک تا حدودی این امید را در دکتترین ایجاد کرد که شاید بتوان قاعده مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر را که در بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه نهفته است، بر مواد جدید (مانند مسئولیت مدنی مهدکودک یا شیرخوارگاه‌ها در مورد اعمال کودکانی که در آنجا هستند) اعمال نمود (Starck & Roland & Boyer 1993, 4: 1644).

در نظام رومی ژرمنی، در بند ۵ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد، معلمین و افرامندان مسئول خسارت ناشی از اعمال شاگردان و دانش آموزان خود در زمانی که تحت مراقبت آن‌ها هستند، می‌باشند. مبنای مسئولیت اشخاص حقوقی (آموزگار، موسسه و استادکاران و...) تقصیر می‌باشد که در برخی از موارد تقصیر باید به اثبات برسد (مثل مسئولیت آموزگار). لذا، در بند ۶ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، خواهان باید بر مبنای قواعد عمومی تقصیر، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی آموزگاران را بعنوان سبب فعل زیان بار به اثبات برساند.

۱-۲-۱- شمول مسئولیت مدنی سرپرست نسبت به فرزندان طبیعی

به موجب ماده ۷ ق.م.م که به طور مطلق اشخاصی را که نگهداری و محافظت کودک بر عهده ایشان قرار دارد، مسئول شناخته و می‌توان برای چنین زن و مردی (هرگاه سرپرستی کودک بر عهده‌ی ایشان باشد) قایل به مسئولیت بود؛ زیرا فقدان نسب قانونی از جهت آثاری مانند ممنوعیت ارث و ملحق نشدن فرزند نامشروع به زانی موثر است اما رافع مسئولیت ناشی از تکلیف مربوط به نگهداری و مواظبت از صغیر است نه داشتن قرابت با آنها (کاتوزیان ۱۳۹۳، ۲۷۰:۲). همچنین به موجب قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۵۳، زن و مردی که به عنوان پدر و مادر، سرپرستی طفل را بر عهده می‌گیرند، مسئول

اعمال زیان بار او خواهند بود.

به موجب ماده ۱۱۶۷ ق.م، طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود. اما این عدم الحاق از جهت ارث و نسب قانونی است نه از جهت مسئولیت والدین در برابر این کودک؛ پس هرگاه کودک نامشروع تحت سرپرستی والدین طبیعی خود باشد، مانند فرزند قانونی مسئولیت اعمال او بر والدین او تحمیل می‌شود. همچنین کودکی که تحت سرپرستی زن و مردی قرار گرفته باشد، در حکم فرزند ایشان محسوب می‌شود. بنابراین در حقوق ایران والدین مسئول اعمال فرزندان قانونی خود، فرزند نامشروعی که تحت سرپرستی ایشان قرار دارد و کودکی که طبق قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست، سرپرستی او را پذیرفته اند، خواهند بود.

در حقوق انگلیس، فرزندان قانونی از نظر حقوقی همانند فرزندان طبیعی می‌باشند؛ چنانچه والدین کودک با یکدیگر

زندگی کنند، مسئول اعمال آنها می‌باشند، ولی هرگاه کودک را به دیگری سپرده باشند، مسئولیتی نخواهند داشت. در نظام کامن لاء، والدین به عنوان پدر و مادر و نه فقط به عنوان سرپرست مسئول اعمال ایشان هستند؛ منتهی، اعمال فرزندان طبیعی در صورتی برای والدین مسئولیت آور است که این کودکان به رسمیت شناخته شده باشند.

در حقوق فرانسه، در بند ۳ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه مقرر شده است، والدین بطور تضامنی مسئول جبران خسارت فرزندان که به طور معمول با آنها زندگی می‌کنند، می‌باشند. در مسئولیت قهری ناشی از فعل غیر در فرانسه (در بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه) اشخاص نه تنها مسئول عمل خود بلکه مسئول زیان‌های وارده به وسیله اشخاص تحت مسئولیت یا اشیای تحت نگهداری خود می‌باشند. بند ۴ الی ۸ این ماده نمونه‌های گوناگونی از این مسئولیت را مثل مسئولیت پدر و مادر ناشی از عمل کودکان بر شمرده است^۳ (Viney 1998, 2: 1036).

در نظام رومی رژیم مسئولیت والدین (اعم از پدر و مادر) بر مبنای تقصیر است و در برخی موارد تقصیر مفروض است.^۴ مبنای مسئولیت مدنی والدین اختیار مراقبت، نگهداری و محافظت است که شخص بر دیگری دارد و از آنجا که عمل زیان بار از جانب کودک ایجاد

۳- در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی در میان اشخاصی که به مراقبت از طفلی مبادرت می‌ورزند، نیز فقط به پدر و مادر اشاره شده است و دیگر اعضای خانواده و اقوام مانند پدربزرگ و مادر بزرگ و عمه و خاله که گاهی طفلی را نگهداری می‌کنند یا به دیگر اشخاصی که توسط محاکم به عنوان سرپرست طفل مشخص می‌شوند، اشاره نشده است. در این میان با فقدان مققرات ویژه‌ای، محاکم فرانسوی با تشتت رو به رو خواهند شد.

۴- بند ماده ۷ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «مسئولیت مذکور در مورد پدر و مادر در صورتی منتفی است که نتوانسته‌اند از عملی که باعث این مسئولیت شده جلوگیری کنند».

می‌شود، تقصیر نگهدارنده او مفروض است. این تقصیر، که بیشتر از نوع ترک فعل است، در عمل زبان بار کودک، ظهور و بروز می‌یابد. لیکن دلیل اصلی اش تقصیر نگهدارنده است. این تقصیر پدر و مادر هم مبانی مسئولیت آن‌ها و هم مبنای حق زیان دیده برای جبران خسارت است (Carbonier 1992, 2:185).

حال اگر پدر و مادر ثابت نمایند که نمی‌توانستند جلوی عاملی را که باعث مسئولیت شان شده بگیرند. فرض تقصیر منتفی می‌شود. علاوه بر فورس ماژور، هرگاه پدر و مادر ثابت کنند نه مراقبت و نه در آموزش فرزندان، هیچ تقصیری مرتکب نشده‌اند از مسئولیت معاف می‌شوند، زیرا به طور طبیعی ایشان در نگهداری و مراقبت، کوتاهی نکرده‌اند.^۴ اگر فعل زیان بار فرزند، تقصیرآمیز باشد، رویه قضایی فرانسه سخت‌گیری ویژه‌ای کرده است و در برخی از آرا آمده است که رفتار قابل سرزنش کودک به طور خودکار کوتاهی پدر و مادر را در وظیفه مراقبت و آموزش به اثبات می‌رساند (Tourneau & Cadiet 2002, 1318).

۱-۳- شمول مسئولیت مدنی سرپرست نسبت به صغیر

به موجب ماده ۷ ق.م.م سرپرست صغیر ممکن است به موجب قراردادی که بین اولیای صغیر با شخص دیگری منعقد می‌شود، مشخص شوند. موضوع این قرارداد ممکن است نگهداری و مراقبت از صغیر باشد، مانند قرارداد با پرستار خصوصی مهدکودک، یا این که موضوع اصلی آن امر دیگری از قبیل تعلیم و تربیت، آموزش حرفه یا هنر خاصی به صغیر باشد که در این صورت در مدت زمانی که طفل تحت مراقبت ایشان است، مسئولیت نگهداری و مواظبت از طفل جنبه‌ی فرعی دارد. در هر صورت چنانچه سرپرست قراردادی در مواظبت و نگهداری از کودک کوتاهی کند، مسئول خسارتی است که در اثر نقض تعهد مراقبت از سوی طفل به دیگران وارد می‌شود.

در حقوق انگلیس، مسئولیت مدنی صغار به دو دوره منفک شده است. چنانچه کودکان زیر ۱۰ سال آسیبی به دیگران برسانند از حمایت قانون برخوردار می‌باشند و قانون‌گذار صغار را ناتوان از جرم فرض کرده است. لیکن، هرگاه کودکان بالای ۱۰ سال آسیبی به دیگران برسانند در معرض تعقیب کیفری قرار می‌گیرند. همچنین این کودکان از لحاظ کیفری با آیین خاص محاکمه و مجازات می‌شوند (Casals Miquel 2006, 161).

۵- در بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه به مسئولیت مدنی والدین ناشی از عمل فرزند صغیر اشاره کرده است که به اعتبار اقتداری است که والدین به فرزند دارند. بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه بارها مورد اصلاحات قرار گرفته است، اما قانون‌گذار به روح این ماده و قصد نویسندگان این مقرر و وفادار مانده است که مسئولیت مدنی والدین ناشی از عمل فرزند را تاوان اقتداری می‌داند که والدین بر فرزند دارند. چنانچه در کارهای مقدماتی تهیه قانون مدنی فرانسه تربیل (Tarrible) مسئولیت مدنی والدین ناشی از عمل کودک را مرتبط با امانت مقدس اقتدار می‌داند که خداوند به والدین عطا کرده است.

در حقوق فرانسه، صغیر غیرممیز مسئول اعمال زیان آور خود نیست و مسئولیت تنها به عهده پدر و مادر است (Maurie 2000, 11: 32). لیکن در خصوص صغیر ممیز، مسئولیت پذیرفته شده و مسئولیت صغیر در ردیف سرپرست خود قرار دارد و زیان دیده می‌تواند از هر کدام از آن‌ها جبران خسارت خود را بخواهد (صفایی ۱۳۷۵، ۲۵۶). در مورد مجنون براساس اصلاحیه قانونی سال ۱۹۶۸، وی مسئول اعمال زیان آور خود به شمار آمده است (همان، ۲۵۷).

۲-۱- اعمال زیان آور صغیر در مسئولیت‌های بدون تقصیر

اگر کسی بدون تقصیری موجب خسارت به دیگری شود، مسئولیتی در جبران آن نخواهد داشت. صغیر هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشد؛ زیرا معقول نیست که با صغیر شدیدتر از افراد معمولی برخورد شود. ممکن است ایراد شود که صغیر اراده قوی و قوه ادراک ندارند تا بتوان تقصیر را به او نسبت داد. منظور از تقصیر در اینجا تقصیر عمدی که نیاز به اراده دارد نیست، بلکه رفتار آنان با انسان متعارف و معمولی سنجیده می‌شود. اگر برحسب اتفاق، رفتار صغیر متعارف بود، هر چند از این رفتار خسارتی هم به بار آمده باشد قابل مطالبه و جبران نیست؛ در نتیجه، اگر سرپرست در نگهداری تقصیر کرده، ولی صغیر بدون اینکه مرتکب عمل نامتعارفی شود، خسارتی به دیگری وارد کند سرپرست مسئولیتی در جبران خسارت ندارد (قاسم زاده ۱۳۸۵، ۱۱۱-۱۰۵).

در حقوق انگلیس، هرگاه شخصی فعلی را از روی عمد و بی‌احتیاطی انجام بدهد مسئول می‌باشد و گاهی اوقات ممکن است اشخاص عمداً و از روی بی‌احتیاطی عملی را انجام ندهند لیکن مسئول باشند (Lunney & Oliphant 2008, 213). بنابراین، اگر صغار با اجازه‌ی سرپرست از شی خطرناک استفاده کنند سرپرست مسئول خسارت وارده به غیر می‌باشد و همچنین اگر سرپرست آن شی خطرناک را در دسترس صغیر قرار بدهد و صغیر با آن شی خطرناک، صدمه جسمانی، بدنی یا مالی به شخص ثالث وارد کند، سرپرست مسئول جبران خسارت می‌باشد لیکن، اگر شی خطرناک در دسترس صغیر نباشد و صغیر با کمک شخص ثالث به آن دسترسی پیدا کند و از آن استفاده کند و به غیر آسیبی برساند صغیر ضامن می‌باشد زیرا سرپرست تقصیری نداشته است.

در حقوق فرانسه، اصل بر این است که برای مطالبه خسارت، زیان دیده باید تقصیر زیان زننده را به اثبات برساند. به عبارتی از نظر قوانین اصل بر این است که مسئولیت مبتنی بر تقصیر اصل بوده و مسئولیت بدون تقصیر استثناست و این استثنا محدود به مواردی است که قانون‌گذار بنا به دلایلی مسئولیتی را بدون نیاز به تقصیر محقق بداند (یزدانیان ۱۳۸۹، ۴۳).

۱-۳- شمول ماده ۷ ق.م.م نسبت به تقصیر و نقص در تربیت

در ماده ۷ ق.م.م تقصیر در نگهداری یا مواظبت مبنای مسئولیت سرپرست صغیر (والدین و قیم) است و این دو اختیار و وظیفه تجزیه ناپذیر می‌باشند. ولی، گاه جدایی این دو از هم قابل تصور است. به عنوان مثال، هنگامی که کودکی به کودکان یا مهد کودک سپرده می‌شود یا نوجوانی برای فراگیری شنا یا سواری به موسسه‌ای می‌رود، در واقع چهره ویژه‌ای از مواظبت به عهده‌ی آنان است، بدون اینکه تکلیف در نگهداری از کودک داشته باشند، یا دست کم تکیه بر مواظبت است و نگهداری در آن جنبه‌ی فرعی دارد.

در نظام حقوقی ایران اثبات تقصیر به عهده‌ی زیان دیده است ولی به دشواری می‌توان ثابت کرد که ضرر زدن به دیگران ناشی از تقصیر در تربیت است، پدر و مادر در غالب موارد از این مسئولیت در عمل مصون می‌مانند. پس، جا دارد که رویه قضایی با تفسیر وسیع از ماده ۷ ق.م.م و مفهوم مواظبت و نگهداری، پدر و مادر را مسئول نقص تربیت فرزند بدانند.

با وجود این، مفاد ماده ۷ ق.م.م و گسترش حکم آن به تمام کسانی که نگهداری یا مواظبت از کودک را به حکم قانون یا قرارداد، به عهده دارند، نشان می‌دهد که قانون‌گذار به نقص در تربیت توجه نداشته است و می‌خواهد به مسئولیت ناشی از نگهداری یا مواظبت پردازد، هرچند که مواظبت در تربیت موثر باشد. بر مبنای تفسیر محدود از این ماده، هرگاه فرزند خطاکار به مدرسه یا نزد مربی صلاحیت دار فرستاده شود و در زمانی که در آن مدرسه یا نزد مربی است به دیگری ضرر برساند، پدر و مادر مسئول زیان وارد شده به اشخاص نیست، مگر اینکه بر طبق قواعد عمومی بتوان حادثه‌ی زیان بار را کوتاهی در تربیت کودک دانست و مباشرت او را در ضرر نادیده گرفت و تقصیر مربی یا مدیر مدرسه این رابطه سببیت را قطع نکند.

همچنین، در صورتی که صغیر ممیز به هنگام بازی متعارف^۶ به دیگران صدمه رساند، خود مسئول خسارات است. زیرا، بر فرض که بتوان کوتاهی در تربیت را در ارتکاب فعل زیان بار موثر شمرد و آن را یکی از اسباب ورود ضرر قرار داد، بی‌گمان سببی دور و نامتعارف است و نمی‌تواند با مباشرت کودک یا خطای مستقیم او دانست؛ در حالی که، اگر ماده ۷

۶- نگهداری بیشتر در موردی به کار می‌رود که سرپرست در محل سکونت خود از کودک پذیرایی می‌کند و هزینه‌ی غذا و محل سکونت و استراحت و لباس و تربیت او را می‌پردازد. مواظبت به سرپرستی معنوی و هدایت کودک و نظارت بر رفتار و معاشرت و تعلیم و تربیت او گفته می‌شود.

۷- قید متعارف برای این است که تقصیری از نظر نگهداری و مواظبت متوجه پدر و مادر نشود و تنها امکان طرح و استناد به تقصیر در تربیت در بین باشد. به عنوان مثال، اگر پسر سیزده ساله ای برای بازی با توپ به زمین ورزش برود و در آن جا خطایی زیان بار از او سر بزند، به دشواری می‌توان ادعا کرد که سرپرست طفل در نگهداری یا مواظبت از او مرتکب تقصیر شده است در حالی که تقصیر در تربیت در این فرض قابل طرح و رسیدگی است.

ق.م.م شامل تقصیر در تربیت باشد، اثبات این تقصیر باعث مسئولیت پدر و مادر سرپرست می‌شود و مقدم بر مسئولیت شخصی کودک است. پایه‌ی این استدلال قوی است، ولی چون باعث می‌شود تا به ناروا ضرری جبران نشده باقی بماند، باید از نتایج آن تا حد ممکن پرهیز کرد.

بنابراین، بهتر بود که قانون‌گذار ایران نیز برای پدر و مادر مسئولیتی جدا و بیش از قیم و سرپرستان موقت کودک پیش‌بینی می‌کرد. آنان را ضامن خسارات ناشی از کارهای ناشایسته‌ی فرزندان خود قرار می‌دارد و یا دست کم برای پدر و مادری که حضانت را به عهده دارند «فرض تقصیر» می‌کند و ناتوانی در احتراز از وقوع حادثه‌ی زیان بار را به عهده‌ی آنان می‌گذاشت (بهرامی احمدی ۱۳۹۱، ۴۵).

رویه قضایی در کشور ایران تحرک لازم را در تعدیل قواعد حقوقی و سازگار کردن آنها با نیازهای اجتماعی ندارد، و گرنه می‌توانست ماده ۷ ق.م.م را شامل مصداق‌های «تقصیر در تربیت» بکند و بخشی از نقص قانون را جبران سازد. منتهی، اگر روزی این فکر تحقق یابد و انگیزه‌ی حمایت از زیان دیده بر نظریه‌ی تقصیر غلبه کند، باید آن را به پدر و مادر (و جدپدری در صورت نبودن مادر) اختصاص داد. زیرا، جامعه انتظاری را که از پدر و مادر دارد و نفوذی که در رفتار و گفتار او نسبت به فرزند احساس می‌کند، با قیم و دادستان و مربی و معلم تفاوت دارد.

در وضع کنونی، چاره در این است که رویه‌ی قضایی مفهوم نگهداری و مواظبت را که از عوامل مهم تربیت است گسترش دهد، چندان که بخشی مهمی از کارهای تربیتی را فرا گیرد. بدین گونه که تنها به تقصیر نزدیک به وقوع حادثه نپردازد و اثر مجموع خطاهایی را که پدر و مادر در نگهداری و مواظبت از فرزند مرتکب شده‌اند در احراز رابطه سببیت بین تقصیر و فعل کودک کافی بداند.

به عنوان مثال، هرگاه پسر ۱۴ ساله‌ای به هنگام بازی در ورزش گاهی با سایر کودکان خشونت ورزد و خسارتی به بار آورد، پدر و مادر را نمی‌توان در سپردن فرزند به آن ورزشگاه یا از جهت مانع شدن از بازی فرزند سرزنش کرد (تقصیر نزدیک). ولی اگر معلوم شود که خوی پرخاشگری و مزاحمت را از معاشران پیشین خود آموخته است و پدر و مادر مواظبت لازم را در پرهیز از چنان معاشرتهایی نکرده‌اند، می‌توان حمله به کودکان را نتیجه‌ی تقصیر در نگهداری و مواظبت شمرد و پدر و مادر را مسئول آن قرار داد. ولی، باید افزود که این توسعه بیشتر در مورد اضرار به عمد یا در حکم عمد کاربرد دارد. نه خطای محض که به تربیت مربوط نمی‌شود و هر انسانی ممکن است مرتکب آن شود. با وجود این، اگر معلوم شود که خطای کودک ناشی از عادت به بی‌بند و باری و سهل‌انگاری است که به نقص ترتیب مربوط می‌شود، باز هم پدر و مادر را می‌توان مسئول شمرد. باید افزود که این

پیشنهاد با عادات و رسوم و حکم عرف در کشور ما سازگار است. در حقوق انگلیس، در دادگاه فدرال بیان شده است که والدین خانواده و به خصوص پدر تنها تعهد به مواظبت کودکش ندارد بلکه باید مراقبت‌های لازم را برای جلوگیری از زیان وارده، انجام دهد؛ لذا، پدر باید مراقبت کند که شی خطرناکی که در دسترس کودکش قرار گرفته است به دیگران آسیب نرساند و تعلیمات لازم را برای استفاده از آن شی، به کودکش ارائه داده باشد (Battes 2009-2010, 627).

در نظام کامن لا، قبل از احراز تقصیر باید وظیفه‌ای وجود داشته باشد تا با نقض آن بتوان شخص را مسئول خسارات وارده دانست. لذا برای تحقق مسئولیت مدنی شرایطی لازم است که یکی از آنها وجود وظیفه‌ی قانونی^۸ مبتنی بر مراقبت می‌باشد به شرطی که وظیفه‌ای در این مورد نداشته باشد و یا به عبارت دیگر صرف بی‌احتیاطی دلیل بر مسئولیت نیست مگر اینکه فردی که از رفتارش دادخواهی شده است موظف به مراقبت بوده باشد (Simon 1994, 19).

در حقوق فرانسه ممکن است شخص در قبال عمل دیگری مسئولیت پیدا کند. مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر موردی است که شخص مکلف به مراقبت و مواظبت از دیگری می‌باشد و شخصی نیاز به چنین مراقبت و مواظبتی دارد که در این موارد اگر شخص تحت مراقبت، به دیگری خسارتی وارد آورد، شخصی که مکلف به نگهداری و مواظبت بوده است، مسئول جبران خسارت می‌باشد. به عبارتی در این موارد مسئولیت ناشی از فعل غیر بر مبنای ضعف جسمی یا دماغی شخص تحت مراقبت است (Martini & Losfeld 2000, 94).

در این موارد مسئولیت ناشی از فعل غیر ضمانت اجرای تکلیف به مراقبت است. این چنین مسئولیتی در عین حال از دو راه قابل توجیه است، اول به جهت حالت فیزیکی و جسمانی یا روانی شخص تحت مراقبت^۹ و دوم به جهت اقتداری که شخص مراقب نسبت به شخص تحت مراقبت دارد که شخص را با فاعل مادی زیان مربوط می‌سازد. گه از این دو راه می‌توان این مسئولیت را توجیه نمود (Viney 1998, 2:821).

۸- وظیفه در این نظام حقوقی عبارت است از ممنوعیت یک سری رفتارهای خاص در موقعیت‌های ویژه.

۹ Les Responsabilités De Fait D'autrui Fondées Sur La Faiblesse De La Personne Surveillée.

۱ La sanction d'un devoir de surveillance.

۱ L'éta physique ou mental de la personne surveillée.

۱ Le lien d'autorité qui unit le responsable pour autrui à l'auter, matériel du dommage.

۲- بررسی مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

مسئولیت سرپرستان صغیر نسبت به اعمال زیان آور آنها صرف نظر از قابلیت یا عدم قابلیت انتساب مسئولیت به صغیر، در صورت اثبات تقصیر نگهداری و مواظبت برقرار است. لذا یکی از مواردی که به عنوان ضمانت اجرای حضانت قابل بررسی است عدم مراقبت از کودکان توسط والدین است که جزو وظایف آنان به شمار می‌آید. در این گفتار به تحلیل و مقایسه ماده ۱۲۱۶ ق.م.با ماده ۷ ق.م.م و ماده ۵۰ ق.م.ا پرداخته می‌شود و حدود مسئولیت سرپرست مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

۲-۱- شمول مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در قانون مدنی و قانون مسئولیت

مدنی

بعد از رسیدن اطفال به سن بلوغ و رشد غیرمالی، تکلیف قانونی حضانت والدین پایان نمی‌یابد، مسئولیت والدین برای زیان‌های ناشی از افعال اطفال شان محدود به صغار غیر رشید نیست؛ زیرا همان طوری که ماده ۷ ق.م.م تصریح دارد مسئولیت والدین ما به ازای تکلیف مراقبت و مواظبت است، لذا تا وقتی که تکلیف مراقبت باشد، مسئولیت مندرج در ماده ۷ ق.م.م با آن ملازمه دارد.

مسئولیت مندرج در بند اول ماده ۷ ق.م.م محدود به سرپرست صغیر غیرممیز می‌شود، زیرا در فرضی که صغیر غیرممیز، همراه با تقصیر سرپرست موجب زیانی به اشخاص ثالث می‌شود، در واقع، سرپرست سبب ایراد خسارت بوده و سبب اقوی از مباشر است، بنابراین به موجب ماده ۳۳۲ ق.م.باید مسئولیت به عهده‌ی سبب (سرپرست) باشد نه مباشر؛ به علاوه، ملاک ماده ۳۳۴ ق.م.اقتضا می‌کند که مسئولیت ناشی از فعل صغیر غیرممیز به عهده‌ی سرپرستش باشد، زیرا صغیر غیرممیز دارای قوه تشخیص و تمیز خوب از بد می‌باشد، لذا کسانی را که عهده دار نگهداری یا مواظبت او هستند نمی‌توان مسئول دانست، چه مباشر در ایجاد ضرر اقوی از سبب است و برابر قانون مدنی باید مسئولیت به عهده‌ی مباشر باشد (صفایی ۱۳۷۵، ۲۴۲:۱).

در انتقاد از این مطلب باید گفت که اولاً، صغیر غیرممیز با توجه به ماده ۱۲۱۶ ق.م.م و نظریه نوعی تقصیر می‌تواند مرتکب تقصیر شود و مسئول باشد؛ لذا در هر صورت سرپرست صرفاً به خاطر تقصیر خود مسئول می‌باشد؛ ثانیاً، واژه صغیر در ماده ۷ ق.م.م مطلق است و شامل صغیر ممیز هم می‌شود و دلیلی بر تخصیص آن به صغیر غیرممیز نیست؛ ثالثاً، این ماده مبتنی بر ضوابط قانون مدنی نیست، بلکه مبنای آن حمایت از زیان دیده از یک سو و

و ادار کردن سرپرست صغیر به دقت و مراقبت در انجام وظیفه از سوی دیگر است و این مبنا اقتضا می‌کند که در مورد خسارات وارد شده از سوی صغیر ممیز هم جبران خسارت در درجه‌ی اول به عهده‌ی کسی باشد که موظف به نگهداری یا مواظبت صغیر است.

به موجب ماده ۱۲۱۵ ق.م. هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز بدهد، صغیر مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود. چنانچه می‌دانیم مطابق ماده ۱۲۱۶ ق.م، اگر صغیر باعث ضرر غیر شود شخصاً ضامن جبران خسارت وارده خواهد بود. لیکن در موردی که کسی مالی را به صغیر غیرممیز می‌سپارد و مال توسط صغیر غیرممیز تلف یا ناقص شود، دهنده مال سبب اقوی در ورود خسارت است و صغیر غیرممیز مباشر است که اراده‌ای در ورود خسارت ندارد. از باب قاعده تسبیب، مسئولیت به عهده دهنده مال است و مصداقی از قسمت آخر ماده ۳۳۲ ق.م در مورد اجتماع سبب و مباشر محسوب می‌شود. از سوی دیگر چنانچه دهنده مال، صاحب مال باشد قطع نظر از این که سبب اقوی از مباشر است از باب قاعده اقدام و اینکه به ضرر خود اقدام کرده مستحق مطالبه خسارت نخواهد بود.

در موردی که بدون سپردن مال توسط دیگری، مالی توسط صغیر تلف شود، مثلاً صغیر شیشه خانه دیگری را بشکند، اگر چه به حکم ماده ۱۲۱۶ ق.م صغیر در این فرض مسئول جبران خسارت است. لیکن با تصویب ماده ۷ ق.م.م در صورت تقصیر سرپرست در نگهداری و مراقبت از صغیر، این ماده مسئولیت را به عهده سرپرست دانسته است، می‌توان گفت که سرپرست به عنوان سبب اقوی از مباشر مسئول است. به اعتقاد برخی از حقوقدانان منظور از صغیر در ماده ۷ مذکور اعم از صغیر ممیز و غیرممیز است. اما در مورد صغیر ممیز بند اول ماده ۷ مذکور متضمن یک قاعده تازه و مخصص ماده ۱۲۱۶ ق.م است. درحالی که طبق این ماده مسئولیت اعمال صغیرممیز را حتی اگر در انجام وظیفه مقصر باشد مسئول می‌داند. برابر قانون مسئولیت مدنی در صورت تقصیر سرپرست در نگهداری یا مواظبت صغیرممیز مسئولیت در درجه اول به عهده کسی است که مواظبت و نگهداری محجور به عهده او بوده است (صفایی ۱۳۷۵، ۲۴۳-۲۴۲).

اما برخی دیگر از حقوقدانان (کاتوزیان ۱۳۹۵، ۲۳۸) تحلیل دیگری از موضوع دارند؛ به اعتقاد آنها مسئولیت سرپرست صغیر در ماده ۷ ق.م.م مطابق قاعده است و اگر ماده ۷ مذکور هم به آن تصریح نمی‌کرد از قواعد مدنی استنباط می‌شد، زیرا در نظر عرف رابطه علیت بین خطای سرپرست صغیر با زیان قوی‌تر از اقدام آن هاست و در چنین مواردی باید مسبب را مسئول شمرد. تنها در پاره‌ای از امور که صغیر ممیز باعث ضرر می‌شود ماده ۷ ق.م.م قاعده مسئولیت سبب قوی‌تر را گسترش داده است.

۲-۲- تحلیل و مقایسه مسئولیت مدنی سرپرست صغیر در قانون مجازات اسلامی و رابطه آن با قانون مسئولیت مدنی

ماده ۹۲ ق.م.ا مقرر می‌دارد، در جرایمی که مستلزم پرداخت دبه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دبه و خسارت حکم می‌کند. ضمان مالی و دیات باید طبق مقررات مربوط به دیات و ماده ۱۲۱۶ ق.م.ا در مورد آن تصمیم‌گیری شود (عدالتخواه ۱۳۹۳، ۱۹۱) شایان ذکر است که با حذف ماده ۵۰ ق.م.ا دادگاه باید بر مبنای مواد ۸۷ تا ۹۰ ق.م.ا جدید اقدام کند (ولیدی ۱۳۹۲، ۱۵۴).

ماده ۵۰ ق.م.ا سابق بیان می‌کرد، چنانچه صغیر مرتکب قتل و جرح و ضرب شود، عاقله ضامن است، لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و ادای آن از مال طفل به عهده‌ی ولی طفل است. ولی طفل ملزم نیست خسارات وارده از ناحیه‌ی طفل را از مال خود جبران کند، مگر این که مورد مشمول ماده ۷ ق.م.ا باشد (نظریه ۷/۲۳۵۴ - ۷۳/۴/۱۲ اداره حقوقی به نقل از گلدوزیان ۱۳۸۳، ۵۹).

قانون‌گذار از وضع ماده فوق سعی داشته که عاقله در نگهداری طفل دقت لازم را به عمل آورند تا اعمال آنها موجب ضرر جسمی نشود (اباذری فومشی ۱۳۹۱، ۹۸). همچنین ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۹۲ برای والدین اطفالی که مرتکب جرمی می‌شوند وظایفی را بر شمرده است.

در مورد اتلاف مال در ماده ۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ بیان شده است، در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و اشعار می‌دارد کسی که نگهداری و مواظبت صغیر، قانوناً یا برحسب قرارداد بر عهده او است، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسئول جبران ناظر بر کلیه‌ی زیان‌ها و خسارات ناشی از رفتار کودک اعم از عمدی یا ناشی از بی‌احتیاطی است که با وضع ماده ۵۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰، با ایجاد تخصیص ضمنی، دیات و خسارات ناشی از اقدامات بزهکارانه‌ی طفل از حیطة‌ی حکم آن خارج شد.

بنابراین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بدون در نظر گرفتن تقصیر سرپرست یا حتی نیاز به بررسی و اثبات تقصیر در مرحله‌ای حادث، حتی در صورت اثبات تقصیر مدنی سرپرست که اعم از تعدی و تفریط است، با اعلام مسئولیت محض جبران خسارت مالی از اموال طفل، حکم به امری کرد که با پارادایم‌های جامعه‌ی ایران همخوانی نداشت.

در سال ۱۳۹۲، با تصویب قانون مجازات جدید، رویکرد قانون‌گذار به موضوع، با وضع ماده ۹۲ تغییر پیدا کرد. با در نظر گرفتن ماده ۷۲۸ ق.م.ا که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ را نسخ شده اعلام می‌کند، در حال حاضر ماده ۹۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ جایگزین ماده

۵۰ ق.م.ا سابق شده است. لذا، با توجه به نسخ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و حکم ماده ۹۲ ق.م.ا اخیر، می‌توان گفت که حکم عام ناشی از ماده ۷ ق.م.م در حال حاضر به جز در خصوص دیات که دارای قواعد خاص است، بر کلیه خسارات ناشی از جرم یا غیر آن حاکم است. البته در موارد دیگری از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان به طور ضمنی فرض مسئولیت مدنی سرپرست را مشاهده کرد. به عنوان مثال، بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا این قانون، یکی از تصمیمات ممکن متخذه از سوی دادگاه را تسلیم کودک بزهکار به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت حسن اخلاق طفل یا نوجوان ذکر کرده است.

بنابراین قید «اخذ تعهد از والدین، اولیا یا سرپرست» در بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا، یکی از مواردی است که می‌توان پذیرش مسئولیت مدنی سرپرست در امور کیفری را در آن مشاهده کرد. اما این تعهد به معنای خاص را می‌توان نوعی التزام فرد به انجام دادن یا خودداری از انجام دادن کاری تلقی کرد. تأدیب، تربیت و مواظبت از کودک جز با صرف هزینه امکان پذیر نیست. تشدید مراقبت‌ها با استناد به تعهدی که ضمانت اجرای آن وفق ماده ۱۷۳ ق.م. سلب حق حضانت است، به معنای افزایش هزینه‌های نگهداری به سبب قصوری مدنی است که سرپرست مرتکب شده و طفل به سبب آن فعل، مرتکب بزهکاری شده است. در کنار این امر، به موجب تبصره بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۹۲، دادگاه در صورت احراز مصلحت می‌تواند از والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوانی بزهکار، تعهدی مبنی بر معرفی طفل بزهکار به مددکار اجتماعی یا روان شناس یا متخصصان دیگر و فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی را اخذ کند.

تمامی این موارد موجب و موجد ایجاد هزینه‌های مالی است که بر سرپرست تحمیل می‌شود. مینا، مستند و استدلال حقوقی این هزینه‌ها به سرپرست که ناشی از حکم دادگاه است، تاکنون مورد کنکاش موثر قرار نگرفته است. در این خصوص می‌توان با بررسی نظریه‌های موجود در حیطة مسئولیت مدنی مانند مسئولیت محض، مشتمل بر اختیارگرایی و خطر، نظریات مبتنی بر تقصیر نظیر تقابل خطر و نظریه‌ی مبتنی بر رفتار اجتماعی معیار، به این نتیجه رسید که تحمیل هزینه‌های فوق به عنوان نوعی جبران خسارت ناشی از مسامحه‌ی سرپرست در قبال نگهداری کودک که منجر به ورود خساراتی به جامعه شده است، در قالب قواعد مسئولیت مدنی وضع و تضمین می‌شود. به بیان دیگر، هزینه‌های تحمیلی به سرپرست که به سبب ارتکاب بزه از سوی طفل موضوع سرپرستی حادث شده است، در قالب قواعد مربوط به مسئولیت مدنی و به سبب اهمال و تقصیر سرپرست قابل توجیه و استناد است، حال آن که تفسیر این موضوع با دیدگاه حقوق کیفری به هیچ وجه

توجیه پذیر نیست.

بنابراین با توجه به اعتبار کنونی قانون مسئولیت مدنی و به ویژه ماده ۷ این قانون، همچنین نسخ صریح ماده ۵۰ ق.م.ا.مصوب ۷۰ و وضع مواد ۹۲ و ۸۸ ق.م.ا.جدید که منجر به نسخ تخصیص ضمنی ایجاد شده بر شمول عام بخشی از ماده ۷ ق.م.ا. در خصوص خسارات ناشی از جرم (غیر از مورد دیات) شده بود، مشاهده می‌شود که مسئولیت مدنی سرپرست در خصوص خسارات عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی کودک یا نوجوان که در قالب بزه یا غیر آن (به جز در مورد دیات) نمود پیدا کرده بود، همچنان مستقر و ثابت است؛ هر چند که اخذ خسارت از سرپرست با تدفیق‌های حقوقی خاصی همراه است.

۲-۳- مسئولیت عاقله در پرداخت دیه در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

در مسئولیت مدنی سرپرست و محافظ بنابر ماده ۳۰۶ ق.م.ا. در خطای محض دیه قتل و همچنین دیه تبصره آن جنایت عمد و شبه عمد صغیر به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می‌باشد و طبق ماده ۳۰۷ ق.م.ا. «عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث، به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود.» بنابراین، اگر صغیر به موجب ماده ۳۰۸ ق.م.ا. مرتکب قتل یا جرح پیش‌بینی شده در ماده ۳۰۶ ق.م.ا. شود، پدر او در صورت حیات به عنوان تنها مصداق عاقله مسئول پرداخت دیه است.

بدین ترتیب، اگر پدر در نگهداری و مواظبت صغیر مرتکب تقصیر شده باشد، اعمال ماده ۷ ق.م.ا. مصداق می‌یابد و او به عنوان عاقله به موجب ماده ۳۰۷ ق.م.ا. مسئول پرداخت دیه خواهد بود و نسبت به پرداخت خسارت زاید بر دیه، به ویژه با توجه به رأی هیأت عمومی اصراری حقوقی مورخ ۷۵/۴/۵، آله موجب ماده ۷ ق.م.ا. به عنوان سرپرست و

۱۳- دیوان عالی کشور در رأی اصراری هیأت عمومی خود در تاریخ ۶۸/۹/۱۴ اعلام کرده است: «ادعای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری مطرح و رسیدگی شده و دادگاه در حکم خود مقدار دیه را بر طبق قانون دیات معین نموده است، بنابراین دعوی ضرر و زیان وارده بر شخص مزبور بر اثر همین جرم تحت عنوان دیگری غیر از دیه، فاقد مجوز می‌باشد.» این رأی در محافل حقوقی با انتقاد رو به رو شد و در نتیجه، اکنون دیوان عالی کشور در رأی هیأت عمومی اصراری حقوقی مورخ ۷۵/۴/۵ چنین اعلام کرده است: «به دلالت اوراق محاکماتی عمل ارتكابی خواندگان ایراد ضرب عمدی منتهی به شکستگی استخوان ساق پای مجنی علیه است که علاوه بر صدور حکم دیه در حق مجنی علیه به جهت تقویت قوای کاری خواهان دادگاه خواندگان را پرداخت ضرر و زیان محکوم نموده است نظر به این که از احکام مربوط به دیات و فحوای مواد قانون راجع به دیات نفی جبران سایر خسارات وارده به مجنی علیه استنباط نمی‌شود و با عنایت به این که منظور از خسارات و ضرر و زیان وارده همان خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی می‌باشد لذا مستفاد از مواد ۱ و ۲ و ۳ ق.م.ا. و با التفات به قاعده کلی لاضرر و همچنین قاعده تسبیب و اتلاف لزوم جبران این گونه خسارات بلاشکال است بنا به مراتب رأی شعبه پنجم دادگاه حقوقی یک سابق تبریز به اکثریت آرا ابرام می‌گردد.»

محافظ صغیر الزام به جبران زیان خواهد بود.

جراحت و دیه جنایات‌های زیاده‌تر از آن به عهده عاقله می‌باشد و دیه جراحت‌های کمتر از آن به عهده خود جانی است و اگر صغیر تحت ولایت قهری و سرپرستی پدر خود باشد، اما پدر در نگهداری و مواظبت او مرتکب تقصیر شده باشد، یا اینکه حضانت صغیر به تنهایی بر عهده مادر باشد؛ در این فرض پدر به عنوان عاقله مسئول پرداخت دیه ناشی از قتل و جرح ارتکاب یافته توسط صغیر خویش است. به موجب ماده ۷ ق.م.م و ماده ۱۲۱۶ ق.م. دیه توسط کسی که به موجب قانون یا قرارداد مکلف به نگهداری و مواظبت از صغیر می‌باشد از اموال خود صغیر پرداخت می‌شود.

با توجه به مواد ۵۰ و ۳۱۱ ق.م.ا، ضمان عاقله شامل خسارت ناشی از اتلاف اموال اشخاص توسط صغیر نمی‌شود و به طور کلی می‌توان گفت که ضمان عاقله مسئولیتی است که جنبه استثنایی دارد و اگر مقدمات و شرایط اعمال آن فراهم یا به تعبیر دیگر «موضوع ثابت باشد»، (موسوی بجنوردی ۱۴۱۳، ۴۸۳) فقط در مورد منصوص قابل اعمال است (کاتوزیان ۱۳۹۵، ۲:۲۸۲).

هرگاه جانی (صغیر) دارای عاقله نباشد یا عاقله‌ی او نتواند دیه را به مدت سه سال بپردازد، به موجب ماده ۳۱۲ ق.م.ا دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. پرداخت دیه از بیت‌المال مبتنی بر دو نوع است، اولاً، ضرورت جبران خسارت و حمایت از حق زیان دیده بدنی (قاعده لاضرر) و ثانیاً، توزیع خسارت جبران نشده میان تمام اعضای جامعه می‌باشد. در حقوق انگلیس، سرپرست صغیر اعم از سرپرست قراردادی یا سرپرست قانونی در صورت تقصیر مسئول زیان وارده می‌باشد. لذا، چنانچه صغیر بر دیگران آسیب بدنی و جسمی وارد کند و مقصر باشد ضامن و مسئول پرداخت دیه و خسارت وارده وی می‌باشد. لیکن، در نظام حقوقی این کشور در خصوص مسئولیت عاقله و ذکور نسبی بحثی نشده است (Tune 1982, 872).

در حقوق فرانسه، عاقله یا بیت‌المال یا خویشاوندان صغار، مسئولیت نتایج مدنی ناشی از عمل مجرمانه دیگری را بر عهده دارند (Mazeaud 1978, 1948). اما دارای هیچ اقتداری بر فاعل فعل زیان بار نیستند. در نتیجه اگر در این حالت، نوعی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر به صورت استثنایی پذیرفته شود، باید ادعان داشت که در این مورد نیازی به تقصیر شخص مسئول یعنی عاقله یا خویشان یا بیت‌المال نبوده و ایشان بدون ارتکاب هیچ تقصیری مسئول عمل دیگری قرار می‌گیرند (Viney 1995, 121-123). به همین دلیل مجنی علیه یا ورثه وی نیازی ندارند تا تقصیر عاقله یا خویشان یا بیت‌المال را ثابت کنند. در عین حال هیچ فرض تقصیر عاقله یا خویشان یا بیت‌المال وجود ندارند و به همین دلیل عاقله یا بیت‌المال یا خویشان نمی‌توانند با اثبات بی‌تقصیری از مسئولیت‌رهایی

یابند.^۱

هر شخصی که نگهداری از صغیر بر عهده اوست، ضامن خساراتی است که از ناحیه فعل زیان بار ایشان به اشخاص ثالث وارد می‌کند. به موجب ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه پدر و مادر تا زمانی که اختیارات والدینی خویش را اعمال می‌کنند متضامناً مسئول جبران خسارتی هستند که ناشی از اعمال کودکان آنهاست که با ایشان زندگی می‌کنند و همچنین موسسات می‌توانند مسئول جبران خسارات کسانی باشند که برای نگهداری به این موسسات سپرده شده‌اند، که مبنای چنین مسئولیت را خطر اجتماعی دانسته‌اند.

نتیجه گیری

در حقوق ایران، شخصی که به دیگری آسیب برساند از نظر اخلاقی نسبت به کاری که انجام داده است قابل ملامت می‌باشد. بر مبنای نظریه تقصیر، در مسئولیت اخلاقی برای این که زیان دیده بتواند خسارت خود را از کسی بخواهد، باید ثابت کند که تقصیر او سبب ورود خسارت شده است. در احراز تقصیر، زیان دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات آن را بیاورد. در مسئولیت قراردادی به طور معمول اثبات عدم انجام تعهد برای این منظور کافی است و متعهد در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که ثابت کند مانع قهری و احتراز ناپذیر و پیش‌بینی نشده‌ای او را از اجرای قرارداد بازداشته است. ولی در مسئولیت قهری تقصیر همیشه برخلاف اصل است و نیاز به اثبات دارد و زیان دیده مدعی به شمار می‌آید.

در حقوق انگلیس، در قرن ۱۹م دادگاه‌ها توانستند حقوق خطاها را به حقوق خطا تبدیل کنند که یکی از روش‌ها گسترش قلمرو بی‌احتیاطی با تقصیر و تبدیل آن به یک اصل کلی برای مسئولیت بود. در نظام کامن لا اصل واحدی مبنای مسئولیت قرار نگرفته است. همان طور که مسئولیت مبتنی بر تقصیر در همه موارد پذیرفته نشده است، مسئولیت بدون تقصیر هم جایگزین آن نشده است. به نظر می‌رسد که در کامن لا در موارد غفلت و بی‌احتیاطی اساس مسئولیت بر تقصیر بنا شده است و در مواردی خاص از جمله نگهداری اشیای خطرناک با اقداماتی که کارشناسی ویژه‌ای نیاز دارد، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است.

در نظام کامن لا، غفلت و بی‌احتیاطی به مفهوم خودداری از انجام کاری است که

۱- در حقوق فرانسه، ماهیت ضمان بار شده بر عاقله و خویشان و بیت المال نشان می‌دهد که ماهیت این ضمان کاملاً یک دین است و تا تحقق جنایت یک تعهدی با موضوع جبران خسارت بر ذمه این اشخاص بار می‌شود که نوعی ضمان قهری و از مقوله مسئولیت مدنی است. در ماده ۱۳۷۰ قانون مدنی فرانسه ضمان ناشی از جنایت مشابه دین و تعهد ناشی از جرم است. همچنین در نظام رومی ژرمنی، جرم بعنوان یکی از منابع تعهد است (viney 1998, 833).

انسانی متعارف و معقول در آن شرایط انجام می‌داد و نیز انجام کاری که انسان معقول و متعارف در آن شرایط انجام نمی‌داد و تقریباً معادل تقصیر در حقوق نوشته شده است، جز اینکه شامل تقصیر عمدی نمی‌شود.

در حقوق فرانسه، در مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، شخص شیوه زندگی دیگری را کنترل کرده و بر تعیین رفتار و سبک زندگی وی اقتدار دارد. این اقتدار نیز به جهت حالت خطرناکی است که به طور بالقوه در شخص تحت مراقبت وجود دارد. در مواردی مواظبت و مراقبت به طور دوستانه و برای مدت زیادی به حکم اداری یا قضایی به شخصی سپرده می‌شود. در نظام رومی ژرمنی، با توجه به رأی صادره از شعبه کیفری دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۹۶ در مورد خسارات ناشی از فعل غیر، یک کودک که به یک موسسه سپرده شده بود، دادگاه طبق بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه مقرر نمود که نگهداری و مواظبت از طفلی را که به یک شخص حقوقی یا حقیقی سپرده شده است و در نتیجه مسئولیت مدنی، جبران خسارات برعهده آن می‌باشد. لذا، این اشخاص بر مبنای ماده فوق پاسخگوی فعل زیان بار طفل خواهند بود.

منابع و مأخذ

الف: منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. ابادری فومشی، منصور. (۱۳۹۱). شرحی بر قانون مجازات اسلامی ایران، تهران: انتشارات خط سوم.
۲. بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۹۱). ضمان قهری مسئولیت مدنی. تهران: دانشگاه امام صادق.
۳. صالح ولیدی، محمد. (۱۳۹۲). شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، تهران: انتشارات جنگل.
۴. صفایی، حسین. (۱۳۷۵). حقوق مدنی و تطبیقی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۵. عدالتخواه، محمدرضا. (۱۳۹۳). مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد.
۶. قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۵). مبانی مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). حقوق مدنی خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). حقوق مدنی - ضمان قهری - مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دهخدا.
۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). نظریه حقوق تعهدات، تهران: نشر یلدا.
۱۰. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۳). محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات موسسه

علمی و فرهنگی مجد.

۱۱. یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۹). حقوق مدنی - قلمرو مسئولیت مدنی، چاپ ۱، تهران: نشر ادبستان.

مقالات

۱۲. صفایی، حسین. (۱۳۸۶). مسئولیت ناشی از فعل زیان آور صغیر و مجنون (مطالعه تطبیقی)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۷.

۱۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱.

ب: منابع عربی:

۱۴. موسوی بجنوردی، محمد. (۱۴۱۳). القواعد الفقیهه، قم: موسسه اسماعیلیان.

ج: منابع انگلیسی

15. Battes, Phil. (2009-2010). family law statates. routledeg.
16. Casals-Miquel, Martin. (2006). Tort and Insurance Law. Vol. 23. Children in tort law. Part I: Children as Tortfeasors. New York: Springer Vienna.
17. Harpwood, Vivienne. (2003). Modern Tort Law, Great Britain: Cavendish Publishing, 5th Edition.
18. Keenan, Danis & Kenneth, Smith. (1982). English law. 17th edition. London: Pitman.
19. Lunney Mark & Oliphant. (2008). Tort law, text and material, 5th edition, oxford.
20. Simon, Jonathan. (1994). Social and Legal Studies: Vol. 3. In the Place of the Prent, Risk Management and the Government of Campus Life. London: SAGE.
21. Tune, Andre (chief editor). (1982). Liability for persons under supervision international, encyclopedia of comparative law. xi. torts. part 1. no. 53.
22. Winfield, P.H. (1950). law of tort. 5th edition. London. sweet & maxwell.

د: منابع فرانسوی

23. Carbonier, Alain. (1992). Droit des obligations. 2^e édition, paris: universitaires.
24. Le, tourneau & Et cadiet, Loic. (2002). Droit de la responsabilité et des contracts. 1^e édition. Paris: Dollaz.
25. malaurie, philippe. (2000). et aynes, les obligqtions. 11^e édition. Paris: Cujas.

26. Martini, philippe & losfeld, karine. (2000). Droit des obligations, 1^é.éd. n. 255. librairie vuibert.
27. mazeaud, henri & léon, jean. (1978). Lecós de droit civil, obligations, paris monntchres tien.
28. Starck, Boris & roland, Henri & boyer, Lourant. (1993). Obligations, 4^é édition, paris: litée.
29. Viney, Geneviève. (1998). jourdian (partice) Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile. 2^é. Éd. N.920. Librairie générale de Droit et de jurisprudence.
30. viney, Geneviève. (1995). traité de droit civil, interdution á la responsabilité, librairie générale de droit et de juris prudence.

٢٥